



روش‌شناسی علامه محمدتقی مجلسی در فقه‌الحدیث‌نگاری به زبان فارسی با تکیه بر شرح خطبه متقین

* احسان الله درویشی

** میلاد مخلصی

چکیده

علامه محمدتقی مجلسی جایگاه برجسته‌ای در میان حدیث‌پژوهان شیعی به ویژه در مکتب اصفهان دارد. «شرح فارسی مجلسی اول بر خطبه متقین» را می‌توان نمونه خوبی از جریان فارسی‌نویسی در دوران صفویه دانست. نوشتار پیش‌رو به بررسی روش علامه محمدتقی مجلسی در فقه‌الحدیث‌نگاری به زبان فارسی با تکیه بر شرح خطبه متقین پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد مجلسی اول در شرح فارسی خطبه متقین، بر اساس نوع مخاطب و ناظر به هدفی خاص به شرح این خطبه ارزشمند پرداخته است. ترویج معارف اسلامی، تعلیم و تربیت مخاطبان فارسی‌زبان از اهداف محوری علامه محمدتقی مجلسی در شرح فارسی خطبه متقین است. وی از پرداخت‌های تخصصی گسترده در زمینه احراز اصالت و صحت متن، تحلیل ادبی متن اجتناب کرده است؛ اما از ظرفیت قرینه‌ها و متون مشابه «خانواده حدیث» در شرح خطبه و تعلیم معارف به عموم مردم فارسی‌زبان به خوبی بهره گرفته است. وی در پیشبرد پژوهش‌های حدیثی به ویژه در عرصه فقه‌الحدیث نقشی تأثیرگذار داشته است.

واژگان کلیدی: محمدتقی مجلسی، فقه‌الحدیث، خطبه متقین، نهج‌البلاغه، فارسی‌نگاری.

*. استادیار دانشکده سلامت و دین دانشگاه علوم پزشکی قم، دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

edarvishi@muq.ac.ir

** دانش‌پژوه حوزه علمیه قم miladmochlesi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳/۱۲/۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۹/۱۴۰۲

علامه محمد تقی مجلسی مشهور به مجلسی اول از اندیشمندان و محدثان مشهور قرن یازدهم هجری است. وی سهم زیادی در پیشبرد عرصه حدیث پژوهی در دوران صفویه داشته است. مجلسی اول در بخشی از لوامع صاحبقرانی - شرح فارسی من لایحضره الفقیه - می نویسد:

چون نوبت به این شکسته رسید، به تایید الله تبارک و تعالی ترویج حدیث نمود... و الحال قریب به چهل سال است که سعی نمودم و به مرتبه ای رسیده است که در بسیاری کتابخانه جمیع کتب مکرر هست، بلکه در قری از اصفهان و سایر بلاد منتشر شد و آب رفته به جوی باز آمد.^۱

آثار علامه محمد تقی مجلسی به جهت اهتمام عالمانه وی در شرح و تفسیر روایات معصومین (ع) - که برخاسته از جایگاه بسیار رفیع حدیث در نظر وی بوده - همواره مورد توجه حدیث پژوهان قرار گرفته است. مجلسی اول با عنایات خاص اهل بیت (ع) و با عزمی جدی به شرح و تفسیر روایات می پردازد.^۲ حاصل این تلاش ها، تألیفات ارزشمندی است که بنیان بسیاری از فعالیت های حدیثی و معارفی را تشکیل داده است. روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین، لوامع صاحبقرانی، شرح زیارت جامعه کبیره، شرح صحیفه سجادیه، احیاء الاحادیث شرح تهذیب الاحکام، حاشیه بر اصول کافی، ریاض المومنین، شرح خطبة البیان، شرح خطبه متقین از آثار این حدیث پژوه گرانمایه است.

بخش مهمی از شرح های حدیثی علامه محمد تقی مجلسی به زبان فارسی و در بستر جریان فارسی نویسی عهد صفوی با هدف معرفی معارف اسلامی به عموم شیعیان فارسی زبان نگاشته شده است. به نظر می رسد فارسی نویسی بر روش و مراحل شرح حدیث مجلسی اول نیز اثر گذاشته است. از جمله ای این شروح، شرح خطبه ای متقین نهج البلاغه است. خطبه ای جامع با مضامین والای عرفانی و اخلاقی که به توصیف سیمای متقین می پردازد. شرح خطبه متقین افزون بر آنکه در ضمن شرح ها و ترجمه های نهج البلاغه، الکافی و... آمده، ترجمه و شرح های مستقلی نیز به خود

۱. مجلسی اول، لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۳۷. مجلسی اول در قسمت های مختلفی از آثار خود به مناسبت، توصیفاتی اجمالی از وضعیت حدیث و حدیث خوانی در زمانه خود کرده اند از جمله ر.ک: مجلسی اول، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۰۴ و مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۷۲.

۲. برای مطالعه داستان مکاشفات و عنایات اهل بیت (ع) به مجلسی اول ر.ک: مجلسی اول، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۳۴.

اختصاص داده است.^۱ شرح مجلسی اول نیز از جمله شروح مستقل بر خطبه متقین است.^۲ گفتنی است مجلسی اول در روضة المتقین نیز به شرح این خطبه پرداخته است.

پیش‌تر مقالاتی با موضوع روش فقه‌الحديثی مجلسی اول در روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی نگاشته شده است، از جمله اثر استاد عبدالهادی مسعودی تحت عنوان تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن^۳ که بر اساس روش پیشنهادی خود در دسته‌بندی مراحل فقه‌الحديث به تبیین کوشش مجلسی اول در فهم متن حدیث (احراز صحت متن و تفسیر لغات و معانی اصطلاحی و مجاز و...) به عنوان مرحله نخست پرداخته است. همچنین اثر ارزشمند بعدی ایشان که تحت عنوان «از مفهوم تا مقصود»^۴ که به تلاش‌های علامه محمدتقی مجلسی در فهم مقصود حدیث به عنوان مرحله دوم از مراحل فهم حدیث در روضة المتقین پرداخته است (همچون روش استفاده ایشان از انواع قرینه‌ها، چگونگی حل تعارضات و موانع فهم حدیث). اثر دیگر در این زمینه مقاله‌ی خانم طایفی نصرآبادی و استاد مهدی مهریزی تحت عنوان «مراحل و قواعد فقه‌الحديث از دیدگاه مجلسی اول در لوامع صاحبقرانی»^۵ است که به روش مجلسی اول در حل تعارض اخبار و یافتن موارد نقل به معنا، تصحیف متن و سند، اختلاف نسخ، فقه‌اللغة، موارد تقیه در حدیث و... پرداخته است. اما نوشتاری با موضوع «روش‌شناسی علامه محمدتقی مجلسی در فقه‌الحديث‌نگاری به زبان فارسی» با تکیه بر شرح خطبه متقین دیده نشد. این مقاله در تلاش است در یک اثر فقه‌الحديثی به زبان فارسی، مراحل شرح فقره‌ها، قواعد به‌کاررفته در فهم فقره‌ها و میزان کاربرد عوامل موثر در روش شرح خطبه را واکاوی نماید. علاوه بر ضرورت تحقیقات تاریخی در حیطه آثار و افکار اندیشمندان، اهمیت دستیابی به

۱. برای دیدن شروح نگاشته شده بر خطبه متقین؛ ر.ک: استادی، کتابنامه نهج البلاغه، ص ۶۲، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۲۴، ۲۲، ۵، و علوی تراکمه، شرح خطبه متقین در نهج البلاغه.

۲. برای مطالعه این اثر ر.ک: کتاب شرح خطبه متقین (شرح حدیث همام) علامه آخوند ملا محمدتقی مجلسی، از ص ۱۳۰ تا ۲۳۸.

۳. مسعودی، «تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن»، فصلنامه علوم حدیث شماره ۳۴.

۴. همو، «از مفهوم تا مقصود (تلاش‌های علامه محمدتقی مجلسی در فهم مقصود حدیث)»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۳۶-۳۵.

۵. نصرآبادی، تبریزی، «مراحل و قواعد فقه‌الحديث از دیدگاه مجلسی اول در لوامع صاحبقرانی»، فصلنامه علوم حدیث، سال شانزدهم، شماره اول و دوم.



چهارچوب‌های صحیح در فرآیند کشف مقصود حدیث و فهم صحیح روایات، بیش از پیش ما را نیازمند واکاوی روش بزرگان و محدثانی مانند مجلسی اول می‌سازد. بررسی روش فقه‌الحدیثی پیشینیان زمینه‌ای مناسب برای دستیابی به الگویی شایسته در فهم بهتر حدیث و جلوگیری از کج‌فهمی در فهم آن فراهم خواهد ساخت. افزون بر این چگونگی بیان نکات فقه‌الحدیثی و روش تبدیل و معادل‌سازی محتوای احادیث در محدوده زبان فارسی نیازمند مطالعه‌ی فقه‌الحدیث‌نگاری‌های به زبان فارسی به ویژه در دوران صفویه و مکتب حدیثی اصفهان است.

فارسی‌نویسی در مکتب حدیثی اصفهان

انگیزه مجلسی از شرح خطبه متقین به زبان فارسی، موضوعی است که باید پیش از پرداختن به روش فقه‌الحدیثی وی تبیین شود؛ چه اینکه روش و سبک نگارش آثار علمی با انگیزه و هدف نویسنده رابطه مستقیم دارد. برای نمونه توجه به این نکته می‌تواند تفاوت رویکرد مجلسی اول در این تک‌نگاری فارسی را با رویکردی که در شرح روضه المتقین پیش گرفته است، تا حد زیادی روشن کند.

تالیف شرح فارسی خطبه متقین، همانند سایر نگاشته‌های فارسی علامه محمدتقی مجلسی، همزمان با جریان فارسی‌نویسی و ترجمه متون دینی در عصر صفویه است. گفتنی است سده یازدهم و دوازدهم هجری را می‌توان از نقاط اوج حدیث شیعه و عصر تلاش کم‌نظیر محدثان اصفهان در زمینه شرح الحدیث و فقه‌الحدیث به شمار آورد.^۱ با روی کار آمدن دولت صفویه و حمایت شاهان صفوی از تفکر شیعی، مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران اعلام شد. اقبال گسترده مردم به زیست شیعی، توجه به تعلیم و تربیت توده‌ی عوام، آشنایی آنها با معارف تشیع به شکل صحیح، زدودن کج‌فهمی‌ها و برداشت‌های نادرست، پادشاهان صفوی و علمای دین را به تکاپو واداشت. به‌طور طبیعی، تحقق این اهداف برای مخاطبان فارسی‌زبان و مشتاق به کسب صحیح معارف اهل‌بیت، اقدامات و ابزارهای گوناگونی را می‌طلبد. جریان تالیف و ترجمه‌ی آثار دینی به زبان فارسی توسط بزرگان دین، در

۱. به عقیده برخی از دانشمندان، شروع جدی آثار شرح الحدیثی و فقه الحدیثی و تعلیقه و تحشیه بر کتب حدیثی از قرن دهم شروع شد و اوج آن در قرن یازدهم و دوازدهم است. ر.ک: حسینی سرشت؛ مهریزی، «فعالیت‌های متن‌پژوهانه محدثان اصفهان در سده‌های یازدهم و دوازدهم (بسترهای شکل‌گیری و نمونه‌ها)»، علوم حدیث، ص ۴۵-۶۴.

کنار سایر اقدامات مانند تاسیس مدارس و... از مهم‌ترین ابزارها برای تحقق این هدف بود. در این جریان باشکوه تبلیغی-ترویجی که توسط علمای تراز اول، محققانه پیش‌گرفته شد، آثار کم‌نظیری پدید آمد، به طوری که تحسین علمای دین را در دوران بعد تا به امروز به همراه داشته است. گفتنی است محمدتقی مجلسی و فرزندش علامه محمدباقر مجلسی به همراه خوانساری‌ها، از پیشگامان این جریان به حساب می‌آیند و سهم عظیمی در برگردان معارف به زبان فارسی دارند.^۱ بنابراین تحلیل شرح خطبه متقین از جهتی توجه به یکی از آثار ارزشمند جریان ترجمه و فارسی‌نویسی نیز محسوب می‌شود.

محور غالب این آثار توجه به مخاطب فارسی‌زبان است؛ به همین خاطر آنچه بیش از همه در این آثار به چشم می‌خورد، پرهیز از عبارات و نکات سنگین ادبیات عرب، عدم طرح مسائل پیچیده حدیثی، تفسیری، اعتقادی و تخصصی دینی و اهتمام به نگارش نثری ساده و روان به دور از تکلفات و دشواری‌های معمول است تا آنچه غرض بود، حاصل شود. این رویکرد را می‌توان با مطالعه این آثار کشف کرد؛ هم‌چنان که نویسندگان این آثار در موارد متعددی اذعان به این رویکرد کرده‌اند. برای نمونه آقاجمال خوانساری، ابتدای ترجمه خود بر کتاب *غررالحکم و دررالکلم* با نثری زیبا می‌نویسد: مناسب چنین دیدند که پرده‌نشینان مضامین صدق، آیین کتاب مستور از سراپرده‌ی لغت عربی که راه‌یافتن به آن، اختصاص به خواص دارد، برآمده، در عیان‌کده‌ی لهجه‌ی فارسی، جلوه‌ی ظهور نماید که کافه‌انام، از خواص و عوام، از فواید آن مستفید گشته...^۲

مجلسی اول نیز در مقدمه *لوامع صاحبقرانی* می‌نویسد: و اکثر ساکنان این دیار را تکلم بلغت فارسی واقع می‌شود و هر يك از ایشان را تتبع و تعلم لغت عرب ممکن نیست، و به سبب این بسیاری

۱. ناگفته نماند که درباره کیفیت آثار فارسی و ترجمه‌ای سده‌ی یازدهم و دوازدهم در عصر صفیری نظرات متفاوتی وجود دارد و برخی این آثار را از قوت کافی برخوردار نمی‌دانند، اما این موضوع مربوط به مباحث تاریخ ادبیات فارسی و فن ترجمه است و به طور کلی سخن از بررسی وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دوران صفویه فصلی از تاریخ ادبیات فارسی است؛ همانند سایر ادوار ادبیات فارسی. این موضوع با هدف اصلی جریان ترجمه که آشنایی مخاطب فارسی‌زبان با معارف اسلامی بود، متفاوت است و تحلیل کیفیت و رویکرد ایشان در ترجمه متون دینی پژوهشی مستقل به شمار می‌آید. برای مشاهده وضعیت زبان و ادبیات فارسی ر.ک: گودرزی، «موقعیت زبان و ادبیات فارسی در ایران عصر صفویه و رابطه آن با زبان رسمی و ملی»، فصلنامه مطالعات ملی؛ آذرنوش، «بحران اصطلاح‌شناسی (مشکلات ترجمه متون دینی به فارسی)»، آذرتاش آذرنوش، نشریه خردنامه همشهری؛ میری «رویکرد علما به فارسی‌نگاری در عصر صفویه»، سیدعباس میری، نشریه حوزه.

۲. ر.ک: آمدی، *غررالحکم و دررالکلم*، ج ۱، ص ۵ و ۶.

از این گروه از مطالعه کتب حدیث و شرح مذکور بی بهره بودند... این فقیر کتاب مسطور را به فارسی ترجمه نمایم... و چون غرض کلی انتفاع عموم خلائق است، فارسی آن را قریب به فهم ایراد نموده متوجه عبارات مغلق، و استعارات مشکل نکردم.^۱

تلاش مجلسی اول در شرح خطبه‌ی متقین به زبان فارسی در همین چارچوب و با هدف تعلیم و انتباه مخاطب فارسی‌زبان است و نه اثری علمی-تحقیقی آنچنان که در روضة المتقین از وی یا در مرآة العقول از فرزندش دیده می‌شود. سفارش به مطالعه این شرح برای کسب بیداری و تذکر قلبی از وصایای علامه محمدباقر مجلسی در پایان کتاب الاعتقادات شاهد دیگری بر فضای این شرح است.^۲

بنابراین می‌توان گفت روش فقه‌الحدیث‌نگاری مجلسی اول در شرح فارسی خطبه متقین تحت تاثیر این هدف بوده است؛ در نتیجه گاه برخی از توضیحات فقه‌الحدیثی در آن نیامده است، تا نزد مخاطب ملال‌آور نشود و هر گاه ظرفیتی مناسب‌تر برای تعلیم معارف مهیا بوده، به تبیین و توضیح بیشتری پرداخته شده است. این رویکرد با مطالعه شرح نمایان می‌شود؛ هم‌چنانکه مجلسی اول در اواخر شرح نیز بدان تصریح می‌کند و می‌نویسد:

بدان که بعضی عبارات کلینی پیش‌تر گذشته بود. مجملاً ترجمه نمودم که شاید اگر کسی از عبارات سابقه متأثر نشده باشد از عبارات لاحق‌ه پندپذیر شود و از این جهت است که بعضی از مطالب در کتب انبیا مکرر شده است.^۳

وی در بخش دیگری چنین می‌نویسد:

چون مذکور شد روایت نهج و امالی که قریب به آن بود و روایت کلینی مشتمل بود بر صفات بسیار که همه را بیان کردن نزد عجم به زبان فارسی مکرر می‌نماید، اما در زبان عرب اشارات و دلالات بسیار است که همه کس به کنه آنها نمی‌رسند. بخاطر رسید که هر چه صریحاً مذکور نشده باشد، ترجمه‌اش را بیان کنم تا همه کس بهره‌مند شوند.^۴

۱. مجلسی اول، لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. و عليك بمطالعة الأخبار الواردة في صفات المؤمنين والمتقين، خصوصاً خطبة أمير المؤمنين (ع) التي ألقاها على همام، وقد كتب والدي العلامة - قدس الله روحه - عليها شرحاً جامعاً، فعليك بمطالعتها. مجلسی، العقائد (الاعتقادات)، ص ۱۱۳.

۳. مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۱۵۵.

۴. همان، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.



به نظر می‌رسد علامه محمدتقی مجلسی در تعلیم معارف دینی به مخاطبان، هدفمند عمل کرده و از ظرفیت فراوان فقره‌های خطبه در راستای انتباه مردم استفاده کرده است. وی در عین بیانی پندآمیز و وعظ‌گونه که مشترک نحله‌ها و طریقت‌های معنوی و عرفانی عصر خویش بوده، التزام به احکام شرعی را به عنوان وجه تمایز با دیگر نحله‌ها و نیز ضابطه‌ای مهم در شریعت اسلامی و تقوآمداری متذکر می‌شود. مجلسی اول این ضابطه را در نظر مخاطب بسیار پراهمیت جلوه داده و قسمت قابل توجهی از شرح را به بیان احکام شرعی اختصاص می‌دهد. تعلیم و تذکر این ضابطه به مخاطب، قدرمتیقنی است که به وضوح از فقره‌های متعدد برداشت می‌شود. برای نمونه او ذیل فقره «عَصُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» می‌نویسد:

یعنی چشم خود را خوابانیده‌اند از هر چه حق-سبحانه و تعالی- حرام کرده است بر ایشان که به آن نظر کنند یا حال آنکه چنین‌اند که نظر نمی‌کنند به زنان نامحرم هر چند خویش و قوم ایشان باشند، مثل دختر عمو و عمه و خالو و خاله و زنان مردم هر چند زن برادر و زن برادرزاده یا زن خواهرزاده باشد هر چند به نظر شهوت نظر نکنند خصوصا به موی ایشان و سینه و سایر اعضا غیر رو و دست‌ها و سر پاها باشد تا ساق^۱ و هم چنین نظر نمی‌کنند به پسران ساده و مزلف...^۲

مجلسی اول در برخی موارد پس از تبیین احکام شرعی اعم از واجبات و مستحبات، به مراتب بالاتری از ورع نیز اشاره می‌کند؛ اما آنچه بیشتر به آن توجه شده، سوق دادن مخاطب به انجام احکام شرعی و تبیین ملازمه میان تقوا و پایبندی به دستورات شرعی است.

مجلسی اول در این اثر ساده و کوتاه فارسی بمانند آثار تخصصی و مفصل حدیثی خود، برای فهم سخن معصوم^{علیه السلام}، روشمند گام برداشته است؛ هر چند به دلیل نوع مخاطب و ماهیت ترویجی بودن این اثر، عباراتی ساده و متناسب با فهم عرف در شرح به کار گرفته شده است. در این روش ادبیات ویژه علوم حدیث کمتر به چشم می‌خورد، اما در عین حال نظم و روشمندی علامه محمدتقی مجلسی در طی گام‌های فهم حدیث، با اندکی التفات هویدا است.

۱. امروزه این فتوا مشهور میان فقها نیست و در حال حاضر اکثر غریب به اتفاق فقها پوشاندن پا را (در حالت غیر نماز) بر زنان واجب می‌دانند و واضح است که تکلیف مرد نامحرم نیز عدم نظر به این مواضع است، هر چند نسبت به برخی قیود مانند داشتن یا نداشتن قصد لذت یا احتیاط واجب بودن اختلافاتی میان فتاوا وجود دارد.

۲. همان، ص ۵۸ و ۵۹ و برای موارد بیشتر ر.ک: همان ص ۱۱۸، ۱۱۷، ۵۳، ۵۲، ۶۹، ۶۸ و..



احراز اصالت و صحت متن خطبه

علامه مجلسی ابتدا با اشاره به مآخذ و منابع اولیه خطبه متقین چنین می‌نویسد:

آنچه اصل است به روایت سید رضی الدین است که در نهج البلاغه ذکر کرده است، و غالب آن است که از عامه روایت می‌کند، چون ضبط ایشان بیشتر است و امثال این خطب متواتر یا مستفیض است نزد عامه.^۱

او با تذکری مختصر و ساده، اشاره‌ای به تخریج منابع اصلی خطبه می‌کند و از ورود مفصل و پیچیده به منابع اولیه خطبه پرهیز می‌کند. مجلسی در این اثر همانند مرآة العقول^۲ و روضة المتقین^۳ به اعتبار این خطبه نزد کلینی و صدوق و سید رضی «رَحِمَهُمُ اللهُ» استناد می‌کند و درباره سند صدوق می‌نویسد:

الف «تذکر سند ابن بابویه و عبارة السيد الرضی و هی قریبة من عبارة الصدوق»^۴.

ب «و آنچه در حاشیه ذکر کرده‌ام به روایت صدوق است که در امالی ذکر کرده، به سند صحیح نزد او...»^۵.

ج «و صدوق روایت نموده است به اسناد صحیح معتبر از حضرت امام به حق ناطق، ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع)...»^۶.

د «همان به همین قانع نشد تا آنکه حضرت را قسم داد و صدوق قسم را ذکر کرده است که همان گفت: ...»^۷.

مجلسی اول علاوه بر استناد به اعتبار خطبه نزد سه محدث بزرگ، در اثبات ساختگی نبودن خطبه برای مخاطب عوام، به طور کلی به دلالت فقره‌های خطبه نیز اشاره می‌کند که همگی مطابق با واقع

۱. ر.ک: مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۴۶.

۲. مجلسی، مرآة العقول، ج ۹، ص ۲۰۲.

۳. مجلسی اول، روضة المتقین، ج ۱۲، ص ۱۶.

۴. ر.ک: همو شرح خطبه متقین، ص ۳۹ و ۴۰.

۵. همان، ص ۴۶ و ۴۷.

۶. همان، ص ۴۹.

۷. همان، ص ۵۰.



و موافق با قرآن مجید و احادیث و رهنمونی به حکم عقل و بدیهی نزد عقلا و مجمع‌علیه نزد جمیع علماست.^۱ به نظر می‌رسد تذکر این مطلب بیش از پرداختن به مباحث تخصصی رجالی، موجب برجسته شدن و اطمینان به حدیث بودن خطبه در اذهان عموم می‌شود. مجلسی اول به طور موردی نیز ذیل برخی فقره‌ها آیه یا حدیث هم معنا با فقره را ذکر می‌کند و ذیل برخی فقره‌ها به وجود احادیث مشابه و آیات هم معنا تاکید می‌کند. وی در قطعی‌الصدور بودن فقره‌ها می‌گوید:

...شکی نیست که همه حق است و موافق واقع... و کتاب مصباح‌النور برقی و کتاب کفر و

ایمان کلینی مشحون است از این اخبار که موافق قرآن مجید و...^۲

پس از احراز اصالت متن، گام‌های متعددی برای احراز صحت متن برداشته می‌شود. پیش از این بیان شد که مجلسی متن سیدرضی را محور شرح خود قرار داده و در کنارش به متن صدوق توجه دارد. در پایان نیز ترجمه‌ای روان از متن کلینی ارائه می‌دهد. روایت نهج‌البلاغه و امالی بسیار به یکدیگر نزدیکند؛ اما روایت کافی گویا به صفات مومنان پرداخته است و فقرات آن عبارات کاملاً متفاوتی دارد.^۳ مجلسی بعد از اشاره به این اختلاف به توجیه آن می‌پردازد. وی راویان را منشأ اختلاف می‌داند و در بیان احتمالات مختلف برای شفاف‌شدن رابطه متن کافی با نهج‌البلاغه می‌نویسد:

کلینی - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - به نحوی روایت نموده است که گویا جزو این روایت است که اوایل او را انداخته است راوی و علامات مؤمنان را ذکر کرده است، و می‌تواند بوده که حضرت أولاً علامات مؤمنان را ذکر فرموده باشند، و بعد از آن سؤال کرده باشد از علامات متقیان یا برعکس، و هر یک از راویان یک جزو را بیان کرده باشند، و بنا بر روایت از حضرت امام جعفر صادق - صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ - نیز محتمل است که حضرت در یک مرتبه علامات متقیان را ذکر فرموده باشند و مرتبه دیگر علامات مؤمنان را ذکر فرموده باشند، و ممکن

۱. مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. به طور نمونه، روایت نهج‌البلاغه و امالی به بیان با فقرات «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مُنْطَقُهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضِعُ حَسَعُوا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالطَّاعَةِ...» آغاز می‌شود. اما روایت کافی بدین‌گونه آغاز می‌شود: «الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا». برای مقایسه روایات ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۶ (اسلامیه) و شیخ صدوق، الأمالی، ص ۵۷۰ و شریف رضی، نهج‌البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۳۰.

است که همه را یک مرتبه فرموده باشند و روایان بعضی اول را ذکر نموده باشند و بعضی آخر را...^۱

در ادامه نیز در موارد متعدد به مقابله نسخه سیدرضی با نسخه‌ی صدوق و شرح زیادت‌های نسخه‌ی صدوق که در نهج البلاغه نیامده می‌پردازد. برای نمونه مجلسی پس از شرح فقره «غائباً مُنْكَرُهُ حَاضِراً مَعْرُوفُهُ» می‌نویسد:

در امالی به زیادت‌ی **صَادِقاً قَوْلُهُ حَسَنًا فِعْلُهُ**: سخن او راست است و فعل او نیکو [است].^۲

علامه محمدتقی مجلسی در نمونه‌ای دیگر پس از اینکه فقره «**لَا يَحِيفُ عَلَيَّ مَنْ يُبْعِضُ وَلَا يَأْتُمُّ فِي مَنْ يُحِبُّ**» را شرح می‌دهد، چنین می‌نویسد:

و در امالی زیادت‌ی هست که: چیزی که حق ندارد دعوی نمی‌کند و اگر کسی چیزی از او طلب داشته باشد، انکار نمی‌کند.^۳

مجلسی در مقابله‌ی این دو نسخه به ذکر دو مورد اختلاف در عبارت اشاره می‌کند. او در فقره «**فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ**» تذکر می‌دهد که در امالی [به جای **مُنْعَمُونَ**] **مُتَكَبِّرُونَ** است^۴ و در عبارت «**بَعِيداً فَحْشُهُ**» بعد از شرح آن، اشاره می‌کند که در امالی «**بَعِيداً جَهْلُهُ**» آمده و دوباره به شرح عبارت بنابر اینکه «**بَعِيداً جَهْلُهُ**» باشد، می‌پردازد.^۵

علامه محمدتقی مجلسی در این خطبه تنها در یک مورد به نقل به معنا اشاره می‌کند.^۶ وی ذیل فقره «**يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَ هُوَ عَلَيَّ وَجَلٍ**» عبارت «**وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ**» را تکرار کرده است. گویا چنین است که معنای «**هُوَ عَلَيَّ وَجَلٍ**» خایف و «**مُشْفِقٌ**» ترسان» یکسان می‌نماید و شبیه تکرار مضمون «ترس متقین از اعمال» در خطبه متقین به ذهن می‌رسد. مجلسی اول پس از ذکر

۱. شریف رضی، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۱۲۵.

۳. همان، ص ۱۲۹ و برای نمونه‌های دیگر بنگرید: همان ص ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۱۷، ۱۱۱، ص ۱۰۹، ۱۰۵، ص ۱۰۱، ص ۹۶، ص ۹۱.

۴. همان ص ۷۹.

۵. همان ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۶. نقل به معنا یعنی نقل محتوای یک خبر بدون اصرار بر واژه‌ها و تعابیر آن. این شیوه در نقل شفاهی رایج بوده است و در نقل کتابی نیز هنگام نقل قول غیر مستقیم، به کار می‌رود. مسعودی، فقه الحدیث، ۱، ص ۲۷.

احتمالات گوناگون در رابطه با وجه مغایرت دو فقره، نقل به معنای راوی را نیز احتمال می‌دهد.^۱ وی برای پرهیز از پیچیده و تخصصی شدن این شرح که خلاف غرض شارح است، بیش از این به احراز صحت و استوارسازی متن و پرداختن به عناصر کمکی - مانند قرائن در زمینه تحریف، قلب، درج، سقط، تقطیع، اختصار و... نمی‌پردازد. این شیوه در مقایسه با روش مجلسی در روضه‌المتقین به خوبی بیانگر هدف متفاوت وی در این اثر است. مقابله‌ی نسخ، برنمودن تصحیف‌ها، شناسایی تقطیع‌ها و نقل به معنا از گام‌های مهم احراز صحت متن است که در روضه‌المتقین مشاهده می‌شود.^۲

تحلیل ادبی متن خطبه

فهم متن خطبه همچنان که در شروح محدثان بزرگ از جمله مجلسی اول دیده می‌شود، بستر مناسبی برای پرداخت‌های عمیق، پیچیده و تخصصی ادبی است. بستری که با توجه به هدف مجلسی در شرح و ترجمه خطبه متقین، چندان میدان مناسبی برای برآوردن مطلوب وی نیست. توجه به مخاطب عوام فارسی‌زبان و کوشش در تربیت و انتباه اخلاقی، مجلسی را از ورود به مباحث واژه‌شناسی و ساختارشناسی ادبی در شرح خطبه بازداشته است؛ این درحالی است که شیوه وی در روضه‌المتقین متفاوت از این اثر است. تفسیر لغت و معانی اصطلاحی همراه با بررسی مجازها و تبیین کنایه‌ها حجم قابل توجهی از روضه‌المتقین را تشکیل می‌دهد.^۳ این تفاوت شاهی بر جهت‌گیری متفاوت مجلسی در این اثر نسبت به سایر آثار تخصصی او و در فقه‌الحديث است. با آنکه بهره‌گیری از قرائن و عناصر کمکی در تمام مراحل فقه‌الحديث نقش مهمی دارد، اما روشن است که مجلسی در

۱. علامه محمدتقی مجلسی در صفحه ۱۰۵، ابتدا فقره «يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ» را چنین معنا می‌کند: «خایف است که مبدا مقبول نباشد به سبب عدم تقوی یا عدم حصول شرایط قبول که سابقاً گذشت.» منظور از «سابقاً گذشت» همان معنایی است که در صفحه ۹۲ ذیل فقره «وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ» گفته شده است: اعمال خیر که کرده‌اند خایفند که مبدا شروطش متحقق نباشد از آن جمله حق - سبحانه و تعالی - فرموده است که «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ». در ادامه (صفحه ۱۰۶) با توجه به شبهه تکرار، احتمالات در مغایرت دو فقره را بیان می‌کنند. یک احتمال نقل بالمعنی راوی است. با این توضیح شایسته بود در صفحه‌آرایی، فقره (وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ) در ادامه متن فارسی می‌آمد.

۲. برای مشاهده قواعد متن‌پژوهانه مجلسی اول در روضه‌المتقین ر.ک: مسعودی، «تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن»، مجله علوم حدیث.

۳. ر.ک: مسعودی، «تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن»، مجله علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳۴.

این مرحله از فهم حدیث، از قرآنی که در فهم مفردات و ترکیبات «اعم از قرائن در تشخیص کلمه صحیح، تعیین ریشه کلمه، تعیین وزن کلمه و...» یاری‌رسان هستند، سخنی به میان نمی‌آورد. وی تنها در یک مورد با اشاره به نسخه امالی ذیل فقره «غَضُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» فعل ماضی «غَضُوا» را به صورت حال معنا می‌کند.^۱

ناگفته نماند که هرچند مجلسی به طور متمرکز به این مرحله نپرداخته، اما این بدین معنا نیست که واژه‌شناسی او در پی حدس‌زدن بر پایه آگاهی‌های پراکنده یا معنایابی بر اساس شکل واژه و مقایسه آن با واژه‌های هم‌خانواده‌اش باشد. معنایابی و ترجمه وی در عین نپرداختن مفصل به این مرحله، کاملاً علمی و مستند است؛ با این تفاوت که در این شرح تنها محصول پرداخت‌های ادبی را بیان کرده و از شرح پشت صحنه‌ی کوشش‌های علمی و تخصصی صرف نظر کرده است. اهتمام شخصیت‌های بزرگ علمی همچون مجلسی اول و سایر محدثان بزرگ به امر ترجمه مؤید این مطلب است که ترجمه را فعالیتی مهم، هدفمند و نیازمند به تسلط و تخصص کافی در علوم مختلف اسلامی می‌دانستند، نه امری سطحی و عامیانه.^۲

بهره‌گیری از قرائن پیوسته

مجلسی در موارد بسیاری تنها به ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از فقره‌ها اکتفا کرده و ظاهر متن را در تطابق با مقصود گوینده دانسته است. برای نمونه ایشان در ذیل فقره «سَهْلًا أَمْرُهُ» تنها به این توضیح اکتفا کرده است:

کار را بر خود آسان کرده است در هر بابی.^۳

یا در ذیل فقره «مَيْتَةً شَهْوَتْهُ» می‌نویسد:

خواهش‌های جسمانی باطل از او زایل شده است و شهوتش مرده است.^۴

با آنکه در غالب موارد تطابق میان مقصود و ظاهر برقرار است، اما مجلسی در این زمینه به

۱. مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۵۸.

۲. مهریزی، «خاندان خوانساری و ترجمه حدیث»، مجله علوم حدیث شماره ۱۱ ص ۸ تا ۲.

۳. مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۱۱۶.

۴. همان، ص ۱۱۶ و برای نمونه‌های دیگر ر.ک: همان ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۴۶، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۱۹ و...



هنگام آشکارسازی معانی فقره‌ها از قرائن پیوسته و ناپیوسته غافل نبوده است؛ چراکه بهره‌گیری از قرائن در مرحله‌ی کشف مقصود بسیار اهمیت دارد. به‌کارگیری قرینه‌های سیاقی، کلامی، اشاره به تضمین‌های خطبه و گردآوری خانواده حدیث از جمله ابزارهای وی در کشف معنای مقصود است. این فرایند در روضة‌المتقین نیز با رویکردی تخصصی‌تر و متناسب با فضای اجتهادی و در تعداد بیشتری به چشم می‌خورد.^۱ برای نمونه مجلسی اول در این شرح هنگام توضیح معنای «طلب» در فقره «و طَلَبًا فِي الْحَلَالِ» با توجه به فضای صدور خطبه که به نوعی قرینه مقامی محسوب می‌شود، اشاره می‌کند و می‌نویسد:

ممکن است که طلب اعم از کسب باشد و دعا، بلکه نظر به متقیان انطباق آن است که اوقات ایشان همگی صرف شود در قرب الی الله و فی الله و مع الله و همین معنی کسب حلال است.^۲ وی هم‌چنین ذیل فقره «يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَ هُوَ عَلَى وَجَلٍ» با توجه به فقره «وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ» که پیشتر شرح شده، احتمال تاکید را مطرح می‌کند.^۳ مجلسی از قرینه‌های صارفه نیز در کشف معنای مقصود استفاده کرده است. برای نمونه وی در شرح فقره‌های «فَلَيْلًا زَلَّه» و «مَلَبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادَ» و «مَشِيَهُمُ التَّوَّاضُعَ» و «يَمْرُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ» با اشاره به اینکه شاید مراد از «قلیل»، معنای عدم باشد^۴ و مراد از «ملبس»، شعار به معنای نشانه و عادت^۵ و مراد از «مشی» طبق نسخه امالی، سلوک به معنای راه و رسم زندگی^۶ و مراد از «حلم»، عقل باشد^۷، ظرفیت قرینه‌های صارفه^۸ را در تشخیص مجازهای موجود در خطبه فعال کرده است.

۱. با نگاهی اجمالی به روضة‌المتقین می‌توان به هزاران نمونه دست یافت. برای نمونه ر.ک: همو، روضة‌المتقین، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۲۳۸ و ج ۲ ص ۲۹۷ و ج ۱۲ ص ۷۴ و...
۲. همو، شرح خطبه‌المتقین، ص ۱۰۱.
۳. همان، ص ۱۰۶.
۴. همان، ص ۱۱۱.
۵. همان، ص ۵۳.
۶. همان، ص ۵۷.
۷. همان، ص ۱۰۹.
۸. قرینه صارفه، مقابل قرینه معینیه بوده و عبارت است از قرینه‌ای که کلام را از معنای حقیقی خود برگردانده و بر معنای مجازی آن حمل می‌نماید؛ یعنی بیانگر این مطلب است که مراد جدی متکلم، معنای مجازی کلام وی است نه معنای حقیقی آن. (جمعی از محققین، فرهنگنامه اصول فقه، ج ۱، ص ۶۳۱)



هم چنین مجلسی در دو فقره از خطبه برای آشکارسازی معنا به تضمین و پیوند فقره با آیات قرآن اشاره می کند. برای نمونه در ذیل فقره «مَكْظُومًا غَيْظُهُ» می نویسد:

خشم او فرونشسته است و اگر از جا درآید نادرست، کما قال تعالی: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» مدح فرموده است جمعی را که خشم خود را فرومی نشانند و عفو می کنند از مردمانی که با ایشان بدی کنند.^۲

مجلسی در فقره «خُشوعاً فِي الْعِبَادَةِ» نیز به تضمین و پیوند این فقره با آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ...» اشاره نموده است.^۳ هم چنین وی در ابتدای شرح خود با اشاره به سخن متکلمان، غرض از خلق آدمیان را ثواب رساندن به ایشان دانسته است؛^۴ این تذکر به سخن متکلمان نوعی تضمین به حساب می آید. از دیگر اقتباساتی که وی در این اثر برای دلنشینی متن و تذکار و تعلیم مخاطب به کار برده، اشاره به تدبیر در خلقت فیل و پشه ذیل فقره «عَظْمَ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغَّرَ مَا دَوَّنَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» است.^۵

۱. تضمین یعنی جای دادن کلام دیگران در کلام خود. گویندهی سخن با آوردن کلام دیگران و پیوند زدن کلام خود با آن، از رابطه‌ای که بین آن کلام و مخاطب وجود دارد، استفاده می کند در علم معانی و بیان، به آوردن جمله تضمین شده، «اقتباس» و اگر به اشاره باشد، «تلمیح» میگویند. (پسندیده، فقه الحدیث، ۲؛ ص ۴۶).

۲. مجلسی اول، شرح خطبه متقین، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۳. همان، ص ۹۷. مجلسی اول علاوه بر اشاره‌ای که به آرایه تضمین در این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام دارد، در شرح خود نیز از این آرایه ادبی استفاده کرده و در چهار مورد از اشعار مولوی، حکیم سنایی غزنوی و شیخ محمود شبستری و شعر منسوب به شیخ ابوسعید ابوالخیر در تبیین و توضیح سخن خود اقتباس کرده است. ر.ک: ص ۵۱، ۶۲، ۸۱، ۱۱۴.

۴. همان ص ۵۱.

۵. همان ص ۷۷ و ۷۸. به گفته‌ی مصحح محترم اثر، نظیر اینگونه تاملات در آفرینش پشه و تشبیه آن به فیل در معراج السعاده مرحوم نراقی تاب ثراه هم دیده می شود (نگ: نراقی، معراج السعاده، ص ۱۴۸) و این شیوه تامل و تدبیر در آثار بس کهن تری چون رساله‌ی توحید مفضل (مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۴۰ - ۹۷) سابقه دارد. این هم که شیخ محمود شبستری در گلشن راز می گوید: ((به اعضا پشه‌ای همچند پیل است *** به ایما فطره‌ای مانند نیل است))، از رواسب همین نگرش هاست.



بهره‌گیری از متون مشابه «خانواده حدیثی» خطبه

استفاده علامه محمدتقی مجلسی از متون مشابه در این اثر متن‌پژوهانه از دو جهت اهمیت داشته‌است:

نخست اینکه متون مشابه خود به عنوان قرائن ناپیوسته از مهم‌ترین عناصر کمکی برای فهم متن هستند. در واقع متن محوری معارف دینی اقتضا می‌کند که فهم این متون به دور از پیش‌فرض‌های ذهنی و تمایلات شخصی و تنها متکی بر نص قرآن و روایت و شیوه‌های منطقی و صحیح استفاده از آن باشد. مجموعه‌نگری در مسیر رسیدن به فهم صحیح و مراد جدی احادیث معصومان علیهم‌السلام بسیار یاری‌رسان است.^۱

جهت دوم بهره‌گیری از ظرفیت متون مشابه در ترویج معارف اسلامی برای مخاطب فارسی‌زبان است. پیش‌تر گفته شد که مراحلی مانند احراز صحت و اصالت متن یا فهم مفردات و ترکیبات به دلیل فضای علمی و تخصصی، میدان مناسبی برای ترویج معارف دینی به مخاطب عوام نیست و غرض شارح خطبه در بستر این مراحل حاصل نمی‌شود، اما تشکیل خانواده حدیثی و گردآوری متون مشابه، فضایی بسیار مناسب برای این منظور است. شاید ظرفیت این مرحله در ترویج معارف، مجلسی را ترغیب به نگارش این اثر کرده باشد. وی به مناسبت، ذیل بیش از ده فقره از خطبه متقین به ذکر آیات یا روایات هم‌معنا پرداخته است. برای نمونه مجلسی ذیل شرح فقره «نَسَاطًا فِي الْهُدَى» با اشاره به آیه شریفه چنین می‌نویسد:

از جمله علامات متقین آن است که دست و پای ایشان باز است در اعمال خیر، کما قال تعالی: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِيْرُهُ لِيُسْرَى» یعنی اما کسی که عطا کند و متقی باشد...^۲

وی همچنین هنگام شرح فقره «خَاشِعًا قَلْبُهُ» با اشاره به روایت نبوی چنین می‌نویسد:
با خشوع و خضوع است دل او و همیشه گریان سوزان است... چنانکه به طرق متعدده منقول

۱. طباطبایی، منطق فهم حدیث، ص ۲۰۲.

۲. مجلسی اول، شرح خطبه متقین (شرح حدیث همام)، ص ۱۰۲.

است که حضرت سید الانبیا (علیه السلام) فرمودند که: « مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ »^۱ الخ هر که حق را بشناسد و عظمت و جلال او را بداند منع می‌کند دهان خود را از گفتن هرچه به کار نیاید و منع می‌کند شکم خود را از...^۲

گفتنی است متون مشابه در فعالیت‌های موضوع پژوهی حدیثی علاوه بر قرینیت برای فهم، در دستیابی به نظام معرفتی نقش مهمی دارند. برای این منظور تعبیر خانواده حدیث مناسب‌تر و عام‌تر است. مجلسی نیز هرچند به متن پژوهی پرداخته است، اما تاحدودی با ذکر آیات و روایات مشابه در فقره‌های متعدد، به ایجاد این نظام معرفتی برای مخاطب عوام کمک کرده است. با مقایسه‌ای اجمالی بین شرح خطبه همام در مرآة العقول و این تک‌نگاره فارسی می‌توان ادعا کرد که میزان بهره‌گیری از آیات و خصوصاً روایات مشابه در این اثر بیشتر صورت گرفته است.

توجه به متون متعارض با خطبه

مجلسی در دو فقره اشاره به دو سخن مشهوری دارد که به عنوان حدیث در میان مردم رواج دارد و در تنافی با مقصود فقره‌ها است. توجه به احادیث متعارض، از مراحل مهم استنباط فقهی و فقه الحدیث و عرصه مهمی در سنجش توانمندی محدث است. این گام نیز گامی تخصصی و نیازمند ذکر قواعد مفصل در حل تعارضات است. اما علامه محمدتقی مجلسی این گام را نیز با نظر به مخاطب عوام و غرضی که در این شرح پیگیری می‌کند، طی کرده است. او ابتدا به دو مورد از آنچه میان مردم به عنوان حدیث و سخن مقدس رایج شده و در تنافی با عبارات خطبه هست، اشاره می‌کند. وی در واقع با توجه به نوع مخاطب و نیاز او، از ظرفیت این گام برای اصلاح ذهنیت‌های اشتباه بهره‌برده است

۱. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَيْسَى النَّهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَ بَطَّنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَفَا نَفْسَهُ بِالصَّيَامِ وَ الْقِيَامِ قَالُوا يَا بَابِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ لَاءَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ سَكَنُوا فَكَانَ سُكُونُهُمْ ذِكْرًا وَ نَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَ نَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً وَ مَسُوا فَكَانَ مَسِيهِمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَةً لَوْ لَا الْأَجَالَ الَّتِي قَدْ كُنَيْتَ عَلَيْهِمْ لَمْ تَقَرَّرْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ. (کلبینی، کافی، ج ۲، ص ۲۳۷، کتاب ایمان و کفر باب المومن و علاماته و صفاته.)

۲. مجلسی اول، شرح خطبه متقین (شرح حدیث همام)، ص ۱۹۲ و برای موارد بیشتر از به‌کارگیری روایات مشابه ر.ک: همان ص ۶۰، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲ و..

نه اینکه به دنبال حل تعارضات پیچیده حدیثی یا کلامی باشد که چالش مجتهد و محدث است و آنچنان دغدغه‌ای برای مخاطب عوام به حساب نمی‌آید. در مقام حل و پاسخ نیز به بی‌پایه و سند بودن این مشهورات، وجود روایات مخالف یا برداشت‌های اشتباه عوامانه استناد می‌کند. شواهدی هم به این مطلب اشاره دارند که مجلسی اول به نوعی مردم را در مواجهه با این تعارضات به سوی علما رهنمون می‌سازند. برای نمونه وی در ذیل «غَضُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» می‌نویسد:

گاهی از رسول خدا نقل می‌کنند و گاهی از مشایخ صوفیه که: الْمَجَازُ قَطْرَةُ الْحَقِيقَةِ، کذب و افتراست علی‌الظاهر، چون در کتب حدیث و کتب مشایخ صوفیه ندیده‌ام^۱ و بر تقدیر صحت ممکن است که مراد از آن محبت جمعی باشد که از جهت خدا باشد، مثل محبت حضرات رسول خدا ﷺ و ائمه هدی ﷺ و شیخ و مومنان که هرگاه محبت ایشان لله باشد به محبت الهی می‌رساند.^۲

مجلسی ذیل «مَشِيهِمُ التَّوَّاضِعُ» نیز اینگونه می‌نویسد:

و مشهور است نزد عوام به عنوان حدیث از حضرت سیدالمرسلین ﷺ که تکبر با متکبران به منزله صدقه است و این حدیث را از طرق خاصه و عامه در کتب معتبر ندیده‌ام، بلکه خلافش در احادیث بسیار وارد شده است از حضرت سیدالمرسلین و ائمه معصومین ﷺ.^۳

بیان این عبارت که «در کتب معتبر یا کتب حدیث و مشایخ صوفیه، من ندیده‌ام» در کنار تذکره به وجود روایات مخالف در مثال دوم و یا توضیح صحیح مثال اول، به طور غیر مستقیم به رجوع و تقلید مردم از عالمان برای کسب صحیح معارف اسلامی و دستورات شرعی اشاره دارد.

۱. هرچند ممکن است علامه مجلسی اول (یا برخی دیگر از فقها)، در مناسبات خود با تصوف و مشایخ آن، به خاطر برخی مصالح و شرایط خاص مماشات کرده باشند، اما هیچ‌گاه مذهب آنان را تأیید نکردند و همواره در وادی شریعت گام برداشتند، چنانکه تکذیب این سخن مشهور که خلاف احکام و شرع مقدس است خود نمونه‌ای از اهتمام ایشان به شریعت مقدس است. از دیگر شواهد مهم عدم گرایش مجلسی اول به تصوف سخن فرزند ایشان علامه محمدباقر مجلسی در انتهای کتاب الاعتقادات است. ر. ک. مجلسی العقائد (الاعتقادات)، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۲. مجلسی اول، شرح خطبه متقین (شرح حدیث همام)، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۵۶.



نتیجه‌گیری

محمدتقی مجلسی با آگاهی و خبرگی در زمینه فقه‌الحدیث توانسته است به شرح و ترجمه‌ای مفید از خطبه متقین پردازد و همراه سایر آثار فارسی نقش مهمی را در جریان فارسی‌نگاری و نشر صحیح معارف اسلامی و تربیت دینی مردم فارسی‌زبان از عهد صفوی تاکنون ایفا کند. شرح خطبه متقین علامه مجلسی، ترجمه و شرحی ساده و روان و در عین حال مبتنی بر داده‌های تخصصی ادبی و رجال‌ی و نسخه‌شناسی و به دور از معنایابی‌های حدسی یا اطلاعات پراکنده است. مجلسی اول در طی این شرح پیش‌نیازهای فهم و فهم مفردات و ترکیبات را به زبانی ساده و اشاره‌وار و بدون پیچیدگی‌های فنی و تخصصی با توجه به نوع مخاطب ارایه داده است. وی مرحله فهم مقصود حدیث را دارای ظرفیت مناسبی برای تذکار و تعلیم معارف دینی یافته است و ذیل گام‌های آن به ذکر آیات و روایات و اصلاح ذهنیت مخاطب فارسی‌زبان اقدام کرده است. هم‌چنین علامه محمدتقی مجلسی به عناصر کمکی در تبیین و فهم مقصود اصلی حدیث و مطابقت متن ظاهری و مقصود گوینده در اکثر قریب به اتفاق فقره‌ها توجه داشته و از متون مشابه قرآنی و حدیثی برای توضیح فقره‌ها بهره‌گرفته است. در سراسر این تک‌نگاری فقه‌الحدیثی فارسی، توجه به مخاطب و تعلیم و انتباه وی به چشم می‌خورد و شرح فارسی نیز به تبعیت از اصل خطبه سرشار از معنویت و مایه بیداری دلهاست.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، محقق و مصحح: صالح، صبحی، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. مجلسی محمدتقی، شرح خطبه متقین «همام»، به تصحیح و تحشیه جویا جهانبخش، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۳. کلینی محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، «ط - الإسلامية»، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی، الأمالی «للصدوق»، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. مجلسی محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.
۶. مجلسی محمدتقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه مجلسی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ ق.
۷. مجلسی محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ ش.
۸. مجلسی محمدباقر، العقائد «الاعتقادات»، تهران، انتشارات بین المللی الهدی ۱۳۷۸ ش.
۹. استادی رضا، کتابنامه نهج البلاغه، قم، بنیاد نهج البلاغه، کنگره هزاره نهج البلاغه ۱۳۵۹ ش.
۱۰. علوی تراکمه‌ای، شرح خطبه متقین در نهج البلاغه، سیدمجتبی، قم، هجرت، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. عبدالواحدبن محمد آمدی، شرح بر غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: خوانساری جمال‌الدین محمد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۲. سجادی احمد و رحیم قاسمی، میراث حوزه اصفهان، قم، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (ع)، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. مسعودی عبدالهادی، فقه‌الحديث «۱»، قم، موسسه علمی-فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۶.

۱۴. پسندیده عباس، فقه الحدیث «۲» قم، موسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۷.
۱۵. فرهنگنامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و منابع اسلامی.
۱۶. طباطبایی محمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم، موسسه امام خمینی «ره»، ۱۳۹۳.
۱۷. مسعودی عبدالهادی، «تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن»، فصلنامه علوم حدیث، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳۴.
۱۸. مسعودی عبدالهادی، «از مفهوم تا مقصود (تلاش‌های علامه محمدتقی مجلسی در فهم مقصود حدیث)»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۱۹. طایفی نصرآبادی نفیسه، مهریزی مهدی، «مراحل و قواعد فقه الحدیث از دیدگاه مجلسی اول در لوازم صاحبقرانی»، فصلنامه علوم حدیث، سال شانزدهم، شماره اول و دوم.
۲۰. مهریزی مهدی، «خاندان خوانساری و ترجمه حدیث»، مجله علوم حدیث، بهار ۱۳۷۸، شماره ۱۱.
۲۱. میری سید عباس، رویکرد علما به فارسی نگاری در عصر صفویه، نشریه حوزه، ۱۳۷۷ سال پانزدهم - شماره ۸۹ و ۹۰.
۲۲. گودرزی، حسین، «موقعیت زبان و ادبیات فارسی در ایران عصر صفویه و رابطه‌ی آن با زبان رسمی و ملی»، نشریه مطالعات ملی، شماره ۴۷.
۲۳. آذرنوش آذرتاش، ترجمه متون دینی: بحران اصطلاح‌شناسی «مشکلات ترجمه متون دینی به فارسی»، نشریه خردنامه همشهری، بهمن ۱۳۸۶، شماره ۲.
۲۴. حسینی سید محمد صادق و مهریزی مهدی «فعالیت‌های متن‌پژوهانه محدثان اصفهان در سده‌های یازدهم و دوازدهم «بسترهای شکل‌گیری و نمونه‌ها».